

## احتساب ایام بازداشت قبلی در مدت حبس و تبدیل جزای نقدی

حمید رضا حاجی زاده - کارشناس ارشد حقوق جزا و عضو باشگاه پژوهشگران جوان

### مقدمه و کلیات

اصل برائت - که در قانون آیین دادرسی کیفری بسیاری از کشورها منظور شده - ایجاب می‌کند تا زمانی که به موجب حکم دادگاه صالح محکومیت قطعی برای اشخاص در نظر گرفته نشده، از اعمال هر گونه واکنش و عکس العمل کیفری بر آنان خودداری شود.

جهت شناسایی متهم به عنوان مجرم<sup>(۱)</sup> و اعمال کیفر بر او، باید قوانین و مقررات چنان وضع و اجرا شود که هم مجرمان در سایه عدالت واقعی با اجرای حکم به کیفر برسند و هم بی گناهی افرادی که ممکن است به ناحق در معرض مجازات قرار گیرند، ثابت شود، تا محاکمه‌ی عادلانه به معنای حقیقی انجام پذیرد.

«حق بهره‌مندی از محاکمه‌ی عادلانه را می‌توان به عنوان حقی مرکب از حق دادخواهی و حق دفاع معرفی کرد.

حق دادخواهی: اگر شهروندی مورد تعدی و تجاوز و یا ظلم و ستم قرار گرفت، باید بتواند آزادانه و بدون هیچ ردا و مانعی به دادگاه صالح و مستقل و بی طرف مراجعه و درخواست احقاق حق و رفع ظالم نماید.

حق دفاع: چنان‌چه شهروندی در معرض اتهام قرار گیرد، باید بتواند در دادگاهی مستقل و بی طرف آزادانه از خود دفاع کند و برای این دفاع نباید محدودیت خاصی وجود داشته باشد. اگر ابزار و اندیشه‌ی دفاعی او پذیرفته نشد و دلایل کافی و منطقی بر توجه اتهام به او وجود داشته به طوری که برای دادرس اقناع وجدان به وجود آورد و او به صدور حکم محکومیت پرداخت، باید تنها، مجازات از پیش تعیین شده در قانون را مورد حکم قرار دهد و حکم نیز با رعایت حیثیت و کرامات انسانی او اجرا شود»<sup>(۲)</sup>

یکی از موضوعات مهم در قوانین کیفری به خصوص قانون آیین دادرسی کیفری رعایت حقوق متهم در هنگام بازداشت موقت و پس از آن است.

اهمیت موضوع وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸) و قوانین قبلی<sup>(۳)</sup> مواردی از بازداشت موقت پیش بینی شده است.<sup>(۴)</sup> این قرار در ردیف شدیدترین قرارهای تأمین کیفری است<sup>(۵)</sup> و در قانون آیین دادرسی کیفری فعلی موارد اختیاری و اجباری بازداشت موقت احصاء شده است.<sup>(۶)</sup>

بنابراین نحوه‌ی شناسایی موارد اعمال و اجرای این مقوله تأمل زیادی را به ویژه در زمان صدور حکم می‌طلبد تا از تضییع احتمالی حقوق متهم بکاهد.

چه بسا افرادی که به علت اتهام به ارتکاب جرمی چندین ماه به صورت موقت بازداشت می‌شوند ولی پس از ختم تحقیقات و تکمیل پرونده و رسیدگی به ماهیت آن، تبرئه می‌شوند یا مجازات در نظر گرفته شده خفیف‌تر و یا کم‌تر از مدت بازداشت قبل از صدور حکم است.

با این اوصاف معلوم نیست با قاضی صادر کننده‌ی چنین قرارهای چگونه می‌توان برخورد نمود. اگر چه در برخی قوانین مثل اصل (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده (۵۸) <sup>(۷)</sup> قانون مجازات اسلامی راه‌کارهایی پیش بینی شده است؛ ولی چون از یک طرف این راه حل‌های قانونی بیشتر جنبه‌ی ظاهری و غیر عملی به خود گرفته از طرف دیگر در جهت اعاده‌ی حیثیت و جبران ضرر معنوی متهم کافی نیستند، احتمال رعایت روش اتهامی در رسیدگی به پرونده‌های کیفری با ابهام روبرو می‌شود به خصوص زمانی که ضمانت اجرای لازم و کافی برای آن وجود نداشته باشد.<sup>(۸)</sup>

### گفتار دوم - بیان موضوع

در بسیاری از مواقع قاضی پس از تفهیم اتهام به متهم یکی از قرارهای مندرج در بندهای (۳) یا (۴) ماده (۱۳۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری را صادر می‌کند که گاهی به علت عدم توانایی متهم از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه و گاه به علت ضیق وقت روانه‌ی زندان می‌گردد. در جرایم شدیدتر نیز به موجب بند (۵) ماده‌ی مذکور متهم به صورت مستقیم بازداشت می‌شود. چه بسا در دادنامه‌ی اصداری نیز به پرداخت جزای نقدی محکوم شود. حال سؤال این است که تکلیف محکوم علیه در چنین مواردی چیست؟ آیا جزای نقدی قابل تبدیل به حبس می‌باشد و اگر چنین است چگونه امکان دارد؟ در غیر این صورت اگر محکوم علیه جزای نقدی را بپردازد، بازداشت اعمال شده قبل از صدور حکم چگونه جبران می‌شود؟...

### گفتار سوم - سابقه‌ی تقنینی موضوع

در ابتدا احتساب مدت بازداشت قبلی توسط دادگاه‌ها در زمان صدور حکم، اختیاری بود ولی از ۱۳۳۷/۵/۱ و سپس از سال ۱۳۵۲ به بعد این مسئله در قوانین جای خود را باز کرد:

۱- در سال ۱۳۳۷ در قانون آیین دادرسی کیفری و در سال ۱۳۵۲ در قانون مجازات عمومی.

۱-۱- در ماده (۴۸۷) قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۳۷) آمده بود: «مدتی که محکوم علیه قبل از اجرای حکم زندانی بود باید خبر جزو محکومیت او احتساب شود.»

۱-۲- در ماده (۱۷) قانون مجازات عمومی (اصلاحی ۱۳۵۲) آمده بود: «مدت کلیه حبس‌ها از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد. لیکن اگر محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد. بازداشت مذکور به جای حبس یا جزای نقدی مندرج در حکم حساب می‌شود.»

۲- به موجب ماده (۱۲) قانون راجع به مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۶۱)، «مدت کلیه حبس‌ها از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد. لیکن اگر محکوم

علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر بوده بازداشت شده باشد مدت بازداشت قبلی می‌تواند موجب تخفیف در حکم تعزیری باشد.»

۳- در ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) چنین آمده است: «مدت کلیه حبس‌ها از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد.

تبصره: چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد دادگاه پس از تعیین تعزیر از مقدار تعزیر تعیین شده یا مجازات بازدارنده به میزان بازداشت قبلی وی کسر می‌کند.»

۴- ماده (۲۹۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز به این مقوله اشاره نموده است: مدت تمامی کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا حبس شود.

تبصره: چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم لازم الاجرا به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد مدت بازداشت قبلی از مقدار حبس او کسر خواهد شد.»

#### گفتار چهارم - تشریح موضوع

همان‌طور که می‌دانیم قوانین مندرج در بندهای (۱) و (۲) منسوخ می‌باشند؛<sup>(۹)</sup> ولی جهت تشریح بهتر موضوع مقاله آن‌ها را به هم راه دیگر قوانین مقایسه می‌کنیم:

۱- در قانون مجازات عمومی مدت بازداشت قبلی متهم، در زمان صدور حکم از نظر حبس و جزای نقدی قابل احتساب و تبدیل بود؛ به عبارت دیگر محکوم علیه به پرداخت جزای نقدی، اگر قبلاً مدتی را به صورت موقت بازداشت بود، این مدت بازداشت از جزای نقدی مندرج در حکم کسر می‌گردید؛ به این صورت که مطابق ماده (۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۱) در ازای هر روز بازداشت مبلغ پانصد ریال از جزای نقدی کسر می‌کردند. البته چنانچه محکوم علیه به پرداخت جزای نقدی، قبلاً بازداشت نبوده و پس از صدور حکم نیز قادر به پرداخت جزای نقدی نبود، لاجرم در ازای تحمل هر روز حبس پانصد ریال جزای نقدی کسر می‌باشد. در قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۳۷ نیز مدت بازداشت متهم، فقط در صورت صدور حکم حبس قابل احتساب بود.

نکته‌ی دیگر این که احتساب و تبدیل مدت بازداشت قبل از صدور حکم به جزای نقدی مندرج حکم در قانون مجازات عمومی و احتساب بازداشت قبل از صدور حکم در صورت صدور حکم حبس در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۳۷ الزامی بود.

۲- در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ اولاً، احتساب مدت بازداشت قبلی متهم در زمان صدور حکم از موجبات تخفیف تعیین مجازات تعزیری در نظر گرفته شده بود و مسلماً قاضی تکلیفی در اعمال آن نداشت که اظهارنظر مخالف برخی حقوق دانان را به دنبال داشته<sup>(۱۰)</sup> و مخالف صریح بعضی از اصول بین المللی بود.<sup>(۱۱)</sup> ثانیاً: نسبت به نحوه‌ی محاسبه‌ی بازداشت موقت قبل از صدور حکم به جای جزای نقدی مندرج در حکم تعیین تکلیف به عمل نیامد. ضمناً چنانچه به هر نحو ایام بازداشت قبلی محاسبه می‌شد به جای این که بعد از صدور حکم و در زمان اجرای آن اعمال گردد، قبل از صدور حکم به عمل می‌آمد. معایب دیگری مانند عدم تعیین تکلیف و اظهارنظر صریح درباره‌ی محکومیت به جزای نقدی نیز در این ماده آشکار بود.

۳- در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مجدداً احتساب ایام بازداشت قبلی در زمان صدور حکم الزامی شد ولی نحوه‌ی تبدیل جزای نقدی در زمان صدور حکم به ایام بازداشت قبل از آن در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت به طوری که نظرات متفاوت حقوق دانان رویه‌های مختلف قضایی را رد پی داشت.<sup>(۱۲)</sup> اگر چه تبدیل جزای نقدی مندرج در حکم به حبس با حصول شرایطی در این قانون منع قانونی ندارد.<sup>(۱۳)</sup>

عیب مهم موجود در هر سه قانون این است که به کاربردن واژه‌ی «حکم» به تنهایی و بدون کلمه‌ی «لازم الاجرا» در مواد (۱۷) قانون مجازات عمومی و ۱۲ قانون راجع به مجازات اسلامی و تبصره‌ی ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی باعث عدم احتساب مدت بازداشت متهم در فاصله‌ی میان صدور حکم و قطعی شدن آن می‌شود و هر سه ماده از این نظر قابل انتقاد است.

۴- در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ به صراحت الزام به احتساب ایام بازداشت قبلی در زمان صدور حکم مورد تأیید قرار گرفت ولی قانون‌گذار با سکوت در مورد جواز تبدیل جزای نقدی به ایام بازداشت قبل از صدور حکم گامی در جهت ابهام بیشتر موضوع برداشت.

البته برخی صاحب‌نظران حقوق جزا عقیده دارند ماده (۲۹۵) قانون مزبور به این مشکل خاتمه داده و فقط کسر مدت بازداشت از مدت حبس را بیان کرده است.<sup>(۱۴)</sup>

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، صرف‌نظر از اصل (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده (۵۸) قانون مجازات اسلامی برای متهمی که قبل از صدور حکم لازم الاجرا به هر دلیلی بازداشت شده و سپس تبرئه می‌گردد جبران ضرر و زیان امکان پذیر نیست در حالی که این خلاف اصول (۲۲) و (۳۶) قانون اساسی<sup>(۱۵)</sup> می‌باشد.

یکی از محاسنی که در ماده (۲۹۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری منظور شده این است که مدت بازداشت متهم در فاصله زمانی بین صدور حکم و قطعی شدن آن احتساب می‌شود؛ چون در تبصره‌ی آن کلمات «قبل از صدور حکم لازم الاجرا» یعنی نهایی‌ترین مرحله‌ی قطعی شدن حکم بیان شده است.

این نکته مهم را نیز متذکر می‌شویم که واژه‌ی «بازداشت» در موارد اخیر به طور مطلق منظور است؛ یعنی شامل «بازداشت توسط ضابطین بدون دستور مقام قضایی» نیز می‌شود؛ مثل این که متهم در جرایم مشهود به مدت ۲۴ ساعت بازداشت شود.<sup>(۱۶)</sup> البته این نوع بازداشت مد نظر قانون‌گذار و مجری آن نبوده است. همانطور که اشاره شد مشکل چگونگی احتساب و تبدیل یا عدم تبدیل میزان جزای نقدی در زمان صدور حکم نسبت به ایام بازداشت قبل از آن موجب تشتت آرای اصداری در دادگاه‌ها شد تا این که آرای متفاوتی در دو زمان حتی از یک شعبه صادر گردید. لذا پرونده‌ی وحدت رویه ردیف ۲/۸۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور - که با اتخاذ روش یک سانی در این مورد به مشکلات موجود خاتمه داد - مرور می‌شود:

#### **پرونده‌ی وحدت رویه ردیف ۲/۸۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور**

#### **حضرت آیت ا... محمد محمدی گیلانی ریاست محترم دیوان عالی کشور**

احتراماً به استحضار عالی می‌رساند، آقای معاون دادستان نظامی استان فارس طی نامه‌ی مورخ ۱۳۷۹/۳/۱۹ به عنوان حضرت آیت الله مقتدائی، دادستان محترم کل کشور، با ارسال دو پرونده از دادگاه‌های نظامی اعلام کرده چون دادگاه‌های مزبور در استنباط از تبصره‌ی ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی رویه‌های مختلفی اتخاذ کرده‌اند تقاضا نموده موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح گردد. بدو خلاصه‌ای از جریان پرونده‌ها را منعکس و سپس اظهارنظر می‌نماید.

۱- در پرونده ۴۴۳۴/۷۸ سرباز وظیفه سجاد جلالی به اتهام فرار از خدمت و جعل مهر دژبانی و جعل امضا مسؤول آموزش عقیدتی به منظور اخذ مرخصی از آن‌ها استفاده کرده تحت تعقیب دادرسی نظامی بوده پس از رسیدگی‌های مقدماتی پرونده با کیفرخواست شماره ۲۴۵۵-۱۳۷۸/۹/۲۰ به دادگاه ارسال و برای متهم تقاضای کیفر شده آقای دادرسی شعبه‌ی دوم دادگاه نظامی یک فارس با تحقیق از متهم و اخذ آخرین دفاع مستنداً به مواد (۴۴ و ۴۸ و ۷۵ و ۷۶ و ۸۳) قانون مجازات اسلامی و جرایم نیروهای مسلح و رعایت مواد (۱۷ و ۲۲) قانون مجازات اسلامی متهم را از جهت فرار از خدمت به پرداخت سیصد هزار ریال جزای نقدی و از جهت جعل به تحمل ۴۰ ضربه شلاق و از جهت استفاده از سند مجعول به پرداخت سی هزار تومان جزای نقدی محکوم و در خاتمه‌ی حکم اضافه کرده ایام بازداشت قبلی از جزای نقدی کسر شود

آقای معاون دادستان نظامی فارس به قاضی صادر کننده حکم تذکر می‌دهد کسر مدت حبس از جزای نقدی قانونی نیست لیکن دادرس دادگاه بر صحت حکم صادره اصرار و تذکر را نمی‌پذیرد.

۲- در پرونده ۱۴/۷۸۴/۷۹ آقایان امیر بلکمک و اسماعیل غلام، نجفی سربازان وظیفه، به اتهام خرید و فروش مواد مخدر تحت تعقیب دادرسی نظامی فارس بوده‌اند پس از رسیدگی‌های مقدماتی، پرونده با کیفرخواست به دادگاه نظامی یک فارس ارسال می‌گردد. آقای دادرس شعبه‌ی دوم دادگاه نظامی یک فارس با توجه به گزارش مأمورین انتظامی و این که بازرسان مربوطه با تهیه‌ی پول و شماره برداری آن‌ها به عنوان خریدار مواد مخدر وارد عمل شده و پول‌های صورت برداری شده، از متهمان کشف می‌گردد، بزه‌کاری آن‌ها نزد دادرس محرز و به استناد ماده (۴) قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر هر کدام را به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی و بیست ضربه شلاق محکوم می‌نماید. آقای معاون دادستان نظامی به دادرس دادگاه تذکر می‌دهد که نام‌برندگان هر کدام ۱۸ روز بازداشت بوده‌اند با توجه به تبصره ذیل ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی این بازداشت باید از جزای نقدی کسر شود و دادرس دادگاه تذکر را نپذیرفته و کسر مدت بازداشت را از جزای نقدی غیر قانونی اعلام می‌نماید لذا با توجه به مراتب به شرح آتی مبادرت به اظهار نظر می‌نماید.

### نظریه

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید چون دادرسان دادگاه نظامی در استنباط از تبصره‌ی ذیل ماده (۱۸) قانون مجازات‌های اسلامی رویه‌های مختلفی اتخاذ کرده‌اند بدین ترتیب که یکی از دادرسان مدت بازداشت محکوم علیه را از جزای نقدی کسر نموده، دادرس دیگر با استنباط از همان ماده‌ی قانونی کسر مدت بازداشت را از جزای نقدی غیر قانونی اعلام نموده و چون این موضوع اشتباه و نظایر متعددی داشته و حائز اهمیت است و گرچه این اختلاف در استنباط از قانون در یک محکمه واقع شده لیکن با توجه به این که هدف از تصویب ماده (۲۷۰) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب جلوگیری از اختلاف نظر و تشتت آرا در دادگستری و در نتیجه ایجاد وحدت رویه در محاکم است، بنابراین فرقی نمی‌کند که این اختلاف برداشت از قانون از دو شعبه باشد یا از دو نفر قاضی از یک شعبه؛ لذا چنین استظهار می‌کنیم که اختلاف نظر به وسیله‌ی دو نفر از قضات از یک شعبه که واقع شود صدق می‌کند که این شعبه یکی از شعب دیوان عالی کشور است که با استنباط از قوانین آرای مختلفی در آن صادر شده و هم چنین در دادگاه‌ها بنا به مراتب به استناد ماده (۲۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری تقاضا دارد موضوع در هیئت عمومی محترم دیوان عالی کشور جهت ایجاد رویه واحد مطرح گردد.

معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۸۰/۷/۱۰ جلسه‌ی وحدت رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت الله محمد محمدی گیلانی، رییس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای حسن فاخری، معاون اول دادستان محترم کل کشور، و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران و اعضای معاون شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و استماع عقیده‌ی جناب آقای حسن فاخری، معاون اول دادستان محترم کل کشور مبنی بر «با دقت نظر در مدلول تبصره‌ی ذیل ماده (۱۸) مبنی بر «چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده‌ی امر مطرح بوده بازداشت شده باشد، دادگاه پس از تعیین تعزیر از مقدار تعزیر تعیین شده یا مجازات بازدارنده به میزان بازداشت قبلی وی کسر می‌کند» چنین مستنبط است اگر چه مقنن احتساب جزای نقدی را مورد تصریح قرار نداده است اما نظر به این که تبصره دلالت بر جلوگیری از اجرای مجازات بیش از میزان تعیین شده نسبت به محکوم علیه را دارد و اقتضای قاعده‌ی تفسیر قوانین به نفع متهم و رعایت عدالت این است که محکوم علیه بیش از مجازات مقرر تحمل کیفر نکند و مجازات اعم است از تعزیر تعیین شده یا مجازات بازدارنده که این عموم مجازات، جزای نقدی را نیز شامل می‌گردد و از طرفی با اتخاذ ملاک از مقررات ماده‌ی یک قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی که مقرر است «در ازای هر روز بازداشت پنجاه هزار ریال باید محاسبه شود.» در ما نحن فیه هم باید به همین طریق اقدام شود. لذا رأی مبتنی بر نظر «احتساب جزای نقدی صحیح می‌باشد» مشاوره نموده و اکثریت قریب به اتفاق بدین شرح رأی داده‌اند.

رأی شماره ۶۵۴-۱۳۸۰/۷/۱۰

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب تبصره‌ی ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی دادگاه مکلف است که ایام بازداشت قبلی محکوم علیه در پرونده مورد حکم را از مجازات‌های تعزیری و یا بازدارنده کسر نماید. و چون حبس و جزای نقدی هر دو یک نوع و از مجازات‌های تعزیری و بازدارنده می‌باشند و عدم محاسبه و مرعی نداشتن ایام بازداشت قبلی بر خلاف حقوق و آزادی های فردی است، علی‌هذا به حکم تبصره‌ی مذکور، کسر مدت بازداشت از محکومیت جزای نقدی و احتساب و تبدیل آن به جزای نقدی قانونی است. بنا به مراتب رأی شعبه‌ی دوم دادگاه نظامی یک فارس به شماره ۵۹۱ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۳ که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آرای اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین شرعی و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی مستنداً به ماده (۲۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.<sup>(۱۷)</sup>

## گفتار پنجم - نتیجه

سیر جریان شکل گیری رأی وحدت رویه شماره ۶۵۴ الزام محاسبه و تبدیل جزای نقدی در زمان صدور حکم را برای ایام بازداشت قبل از آن بیان می کند و این رویه یعنی همان هدف قانون گذار که در ماده (۱۲) قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ بیان شده بود .

بنابراین با وجود آن که از سال ۱۳۵۲ تاکنون این موضوع دست خوش تغییر و تحولاتی شده ولی قانون گذار با اندکی تغییر نهایتاً به نتیجه ای رسیده که ۲۸ سال قبل صراحتاً تصمیم گرفته بود و به عبارتی دور باطلی را طی نمود که می توان گفت حداقل از جهت حفظ حقوق متهم و رعایت اصول (۲۰) و (۲۲) قانون اساسی<sup>(۱۸)</sup> و رعایت موازین شرعی<sup>(۱۹)</sup> کاملاً به جا و درست است. در حال حاضر رأی وحده رویه موضوع مقاله ناسخ تبصره ی ماده (۲۹۵) قانون آیین دادرسی کیفری و لازم الاجراست و در جهت حفظ حقوق معنوی و مادی متهم و رعایت قاعده ی تفسیر مضیق می باشد.

### پی نوشت ها:

۱) یکی از صاحب نظران حقوق جزا در مقام انتقاد از به کار بردن واژه ی «مجرم» چنین آورده اند: «بعد از صدور حکم محکومیت قطعی نیز نباید انسانی را مجرم دانست بلکه تنها او محکوم علیه کیفری است ...» (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، انتشارات اشراق، ۱۳۷۹، قم، ج ۴، صفحه ۱۲۹).

۲) آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری (اندیشه ها)، ج ۴، ص ۳۱۱.

۳) در قانون آیین دادرسی قبلی به جای عبارت «بازداشت موقت» عبارت «توقیف احتیاطی» به کار رفته بود.

۴) در قوانین خاص نیز مواردی از بازداشت موقت (اجباری) پیش بینی شده است که عبارتند از: الف- تبصره (۳) ماده (۱۸) قانون مربوط به مقررات مربوط به امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹: «تحقیقات متهمین مزبور به فوریت و محاکمه آنها خارج از نوبت به عمل می آید و بازپرس در صورت کشف داروی تقلبی مکلف است قرار توقیف متهم را صادر نماید و در مورد متهمین مشمول بند (الف) و (ب) (استعمال دارو منجر به فوت یا مرز دائم و فقدان یا نقص یکی از حواس و یا اعضای مصرف کننده شود.) متهم تا خاتمه بازپرسی در توقیف باقی خواهد ماند...».

ب - بند (ج) ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوب ۱۳۴۴/۴/۶:

«درباره کسانی که به اتهام ارتکاب جرح یا قتل به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر مورد تعقیب قرار گیرند چنانچه دلایل و قرائن موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نماید قرار بازداشت صادر خواهد شد و تا صدور حکم ادامه خواهد داد».

ج - ماده (۴۳۵) قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴:

«اگر تاجر ورشکسته به مفاد ماده (۴۱۳) و (۴۱۴) عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد».

د - ماده (۴۳۶) قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴:

«قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد به وسیله اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی می خواهد جلوگیری کند».

ه - ماده (۱۷) تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی جهت مداوا و اشتغال به کار معتادین مصوب ۱۳۵۹/۳/۱۹:

« برای کلیه کسانی که به اتهام جرایم مذکور در مواد (۲،۶،۷،۸،۹،۱۱،۱۳،۱۵،۱۶) این قانون تحت تعقیب قرار می گیرند چنانچه دلایل و قرائن موجود دلالت کافی به توجه اتهام به آنان نماید قرار بازداشت صادر خواهد شد. و در صورت ادامه بازداشت متهم تا تاریخ شروع دادرسی با صدور حکم برائت از دادگاه جزایی آزاد خواهد شد...».

و - تبصره (۴) ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵: «هر گاه میزان رشوه بیش از مبلغ دویست هزار ریال باشد در صورت وجود دلایل کافی صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است. و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد شد...».

ز - تبصره (۵) ماده (۵) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵: «هر گاه میزان اختلاس زائد بر صد هزار ریال باشد در صورت وجود دلایل کافی صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود.»

۵ - بند (۵) ماده (۱۲۹) قانون آیین دادرسی کیفری قبلی و بند (۵) ماده (۱۳۲) قانون آیین دادرسی کیفری فعلی.

۶ - ماده (۳۲) قانون آیین دادرسی کیفری: «در موارد زیر هر گاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت جایز است.

الف - جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام، رجم، صلب و قطع عضو باشد.

ب - جرایم عمدی که حداقل مجازات قانونی آن سه سال حبس باشد.

ج- جرایم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی.

د- در مواردی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند. هم چنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود.

ه- در قتل عمد با تقاضای اولیای دم برای اقامه بینه حداکثر به مدت شش روز.

تبصره ۱: در جرایم منافی عفت چنان چه جنبه شخصی نداشته باشد در صورتی بازداشت متهم جایز است که آزاد بودن وی موجب افساد شود.

تبصره ۲: رعایت مقررات بند (د) در بندهای (الف) و (ج) نیز الزامی است.

ماده (۳۵) قانون آیین دادرسی کیفری: «در موارد زیر با رعایت قیود ماده (۳۲) این قانون و تبصره‌های آن هر گاه قرائن و امارات موجب دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار بازداشت موقت الزامی است و تا صدور حکم بدوی ادامه خواهد یافت مشروط بر اینکه مدت آن از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز ننماید.

الف- قتل عمد، آدم ربایی، اسید پاشی، محاربه و افساد فی الارض.

ب- در جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس دائم باشد.

ج- جرایم سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعول در صورتی که متهم حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی به علت ارتكاب هر یک از جرایم مذکور را داشته باشد.

د- در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد.

ه- در کلیه جرایمی که به موجب قوانین خاص مقرر شده باشد.

۷- اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.»

۸- ماده (۵۸) قانون مجازات اسلامی: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا تطبیق حکم بر مورد خاصی ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در موارد ضرر معنوی چنان چه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود.»

۹) آقای دکتر کاتوزیان در کتاب مسؤولیت مدنی صفحه ۳۱۷ به خوبی این نکته را متذکر شده- اند: «در کشور ما رویه قضایی در اثبات تقصیر دادرسی نیز سخت‌گیر است و آن را موکول به اظهارنظر دادگاه انتظامی قضات می‌کند بنابراین زیان دیده باید ابتدا به این دادگاه برای اثبات تقصیر دادرسی شکایت کند سپس بر مبنای آن برای جبران خسارت به دادگاه‌های عمومی برود. راهی که تاکنون به نتیجه نرسیده و حق هم این است که به سادگی گشوده نشود زیرا اعتبار تصمیم دادگاه و نظم که بر پایه احترام به این گونه تصمیم‌ها استوار است، فرو می‌ریزد.»

۱۰) البته برخی از مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به ویژه فصل تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده نه تنها ناسخ موادی از قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ نمی‌باشند بلکه مخصص آن نیز هستند (جهت اطلاعات بیشتر ر.ک.به: زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) انتشارات نشر فیض).

۱۱) زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی (کلیات)، ص ۱۶۹.

۱۲) مقدمه‌ی قطع‌نامه شماره ۱۹۸۴/۴۶ مورخ ۲۵ مه ۱۹۸۴ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد.

۱۳) اداره حقوق قوه قضاییه در نظریه شماره ۱۳۷۱/۹/۱۸-۷/۸۰۸۵ متذکر شده با توجه به این که تبصره‌ی ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی در مقام بیان احتساب حبس ایام گذشته است، بنابراین کلمه‌ی «تعزیر» مذکور در تبصره‌ی ماده‌ی مزبور ناظر به مجازات حبس است و لاغیر»  
۱۴) در ماده (۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ چنین آمده است: «هر کس به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد و یا مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید به دستور قاضی صادر کننده‌ی حکم به ازای هر پنجاه هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می‌گردد.»

۱۵) زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی (کلیات)، ص ۱۷۱ و زراعت، عباس، شرح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ج ۲، ص ۳۳۰.

۱۶) اصل (۲۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». اصل (۳۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «حکم به مجازات و اجرای آن باید از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

۱۷) ماده (۲۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸: «... و چنانچه در جرایم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً

به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت می توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند...» (۱۸) نقل از روزنامه رسمی ۱۶۵۲۵-۱۳۸۰/۸/۳۰.

(۱۹) اصل ۲۰ قانون اساسی: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.»

(۲۰) و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیهما و جعل بینکم موده و رحمہ (قرآن- کریم، روم: ۲۱)

### فهرست منابع:

#### الف - تألیفات:

۱- آخوندی، دکتر محمود، آیین دادرسی کیفری (اندیشه ها)، جلد ۴، انتشارات اشراق، ۱۳۸۰.  
۲- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه‌ی گنج دانش، چاپ نهم، ۱۳۷۷.

۳- زراعت، دکتر عباس و مهاجری، علی، شرح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، جلد ۲، انتشارات نشر فیض، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۴- زراعت، دکتر عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، جلد ۲، انتشارات نشر فیض، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

۵- زراعت، دکتر عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (کلیات)، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰.  
۶- شهری، دکتر غلامرضا و سروش، ستوده جهرمی، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه، جلد ۱، انتشارات روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۵.

رسمی کشور، ۱۳۷۵.

۷- قرآن مجید.

۸- کاتوزیان، دکتر ناصر، کلیات حقوق، نظریه عمومی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹.

۹- کاتوزیان، دکتر ناصر، مسؤولیت مدنی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۱۰- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۶۵۲۵-۱۳۸۰/۸/۳۰.

#### ب - قوانین:

۱۲- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.

۱۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸.

- ۱۴- قانون راجع به مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۶۱.
- ۱۵- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵.
- ۱۶- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰.
- ۱۷- قانون مجازات اسلامی، اصلاحی ۱۳۵۲.
- ۱۸- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷.
- ۱۹- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۵۱.